

کشتار بردگان مزدی در نظام سرمایه داری

جمیل محمدی

بیست چهارم اسفند ماه هشتاد و پنج

در نظام سرمایه داری اصل و مبنا، انباشت سرمایه و کسب سود برای یک اقلیت است. امنیت جانی و معیشت کارگر و رفاه و آسایش او نزد صاحبان سرمایه جایگاهی ندارد. این که صاحبان سرمایه تلاش می نمایند با کمترین هزینه، تولید اجتماعی را سازمان دهند و تلاش جدی برای تامین امنیت جسم و جان کارگران صورت نمی دهند، ناشی از نگاه ابزاری و ضد انسانی سرمایه به کارگر بعنوان نیروی تولید است. طبق گزارش تکان دهنده ی سازمان بهداشت جهانی که اخیرا انتشار یافته، سالانه یک صد و بیست میلیون حادثه ی شغلی در جهان اتفاق می افتد که در نتیجه ی آن سه میلیون و پانصد هزار نفر از کارگران جان خود را از دست می دهند. (یعنی روزانه حدود نه هزار و شش صد نفر) هم چنین تا یک صد و پنجاه و هفت میلیون نفر از کارگران جهان به بیماری های شغلی دچار می شوند. از سوی دیگر در کنفرانس حفاظت و ایمنی کار در آوریل ۲۰۰۶ با ارائه ی آماری متفاوت با منبع فوق الذکر، اعلام شد که روزانه ۶۰۰۰ نفر از کارگران بر اثر حوادث شغلی یا بیماری های ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند. شمار این حوادث در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی بسیار بیشتر است. در چین، سال ۲۰۰۱ تعداد حوادث کاری که منجر به غیبت کارگران از محل کارشان شده به شصت و نه میلیون نفر و شمار حوادثی که منجر به مرگ کارگران شده به هفتاد و سه هزار مورد و در برزیل و مکزیک شمار حوادث مرگبار به سی و نه هزار نفر رسیده است.

به راستی کدام جنگ چنین تلفات انسانی بزرگی دارد؟ می بینیم برای مخالفت با جنگ ها، میلیون ها نفر به خیابان می ریزند و از همه جا صدای انتقاد و مخالفت بلند می شود اما گویی کسی متوجه جنگی که موجب مرگ روزانه شش هزار نفر انسان می شود، نیست، حتی خود کارگران.

در ایران هیچ منبعی وجود ندارد که آمار واقعی حوادث ناشی از ناامنی محیط کار را بازگو نماید و آمارهای متناقضی ارائه می شود. تنها ۵ درصد از کارگران که در صنایع بزرگ کار می کنند مورد معاینه ی ادواری قرار می گیرند. اما با توجه به منابعی چون سازمان تامین اجتماعی و یا پزشکی قانونی می توان به بطور تخمینی به عمق فجایع ناشی از ناامنی محیط های کارگری در ایران پی برد. بنابر گزارش سازمان تامین اجتماعی، سالانه شمار حوادث ناشی از ناامنی کار رو به افزایش بوده و از شانزده هزار و سی صد و هشتاد و سه مورد در سال ۸۲، به بیست و پنج هزار مورد در سال ۸۵ رسیده است. (روزنامه همشهری ۸۵/۱۱/۴)

بر اساس همین گزارش در سال ۸۴ بیست هزار نفر در اثر حادثه ی ناشی از کار مصدوم شده و یک صد نفر نیز جان باخته اند. از میزان بیست هزار مصدومین کارگر، حدود هیجده هزار سلامت خود را باز یافته اند اما از سرنوشت دو هزار کارگر دیگر اطلاعی در دست نیست. و ضمنا موید این مسئله است که آن ها دچار آسیب دیدگی دائم یا نقص عضو شده و قادر به ادامه ی کار نشده اند. البته لازمست یادآور شویم که این آمار تنها مربوط به بیمه

شدگان تامین اجتماعی است و با راه‌گريزهایی که قوانین موجود دست‌کارفرمایان را در بیمه کردن یا نکردن کارگران باز گذاشته و نیز تنوع وضعیت استخدامی در ایران، بسیاری از کارگران مشمول بیمه‌ی تامین اجتماعی نمی‌شوند و در صورت بروز حوادث ناشی از ناامن بودن محیط کار طبعاً نمی‌توانند به تامین اجتماعی مراجعه کرده و در نتیجه شمار حوادث شغلی بسیار بیشتر از آن می‌باشد که تامین اجتماعی اعلام می‌کند.

به عنوان مثال می‌توان به آماری که توسط سازمان پزشکی قانونی ارائه شده مراجعه کرد (که البته باز هم نمی‌توان گفت گویای کل واقعیت است). سازمان پزشکی قانونی اعلام نموده که در سال ۸۳ ششصد و نود و هفت نفر و در سال ۸۴ هشتصد نفر در اثر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار جان باخته‌اند. اما در آخرین اظهار نظر که توسط مدیر کل بازرسی وزارت کار که اخیراً در کرمان بیان داشته طی یکسال گذشته هزار و یکصد نفر از کارگران ایران بعلت حوادث ناشی از ناایمن بودن محیط کار جان خود را از دست داده‌اند. سازمان تامین اجتماعی علت بروز ۵۳ درصد از حوادث شغلی را بی‌احتیاطی کارگر می‌داند. در شرایطی که کارگران در ایران امنیت شغلی ندارند و برای حفظ شغل خود و راضی نگه‌داشتن کارفرما دائماً دچار استرس هستند فشار کار و ترس از زیان دیدن کارفرما یا انجام کار برخلاف خواست کارفرما، آن‌ها را وادار می‌کند که تنها به فکر حفظ موقعیت کاری خود بوده و خود و امنیت جسم و روان‌شان را فراموش کنند. از طرف دیگر مجهز نبودن کارگاه‌ها به وسایل ایمنی و حتی ابزار مناسب تولید، و نبود آموزش در زمینه‌ی ایمنی کار و هم‌چنین فشار کارفرما برای انجام کار در کوتاه‌ترین زمان ممکن باعث می‌شود که حوادث کاری رشد فزاینده‌ای داشته‌باشد. با هر سانحه‌ی شغلی که اتفاق می‌افتد، نه تنها جان کارگران بلکه هستی و معیشت آن‌ها و خانواده‌هایشان مورد تهدید قرار می‌گیرد. چون بعد از نقص عضو یا آسیب دیدگی، کارگران کار خود را از دست می‌دهند و بلا تکلیف در جامعه رها می‌شوند. اما صاحبان سرمایه تنها به فکر جیب خود هستند و اگر در بعضی مراکز کاری سیستم آموزشی و ایمنی نه‌چندان کارآمدی را برقرار نموده باشند، بیشتر از ناحیه دلسوزی برای سرمایه و کسب سود بیشتر است و نه دغدغه‌ی حفاظت از امنیت انسان‌ها. رئیس مرکز تحقیقات و مطالعات وزارت کار و امور اجتماعی می‌گوید: آموزش و ایمنی و بهداشت کار طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی به دنبال داشته و چنان‌چه هزینه‌های درمان، دیه و فوت، زمان استراحت و کاهش بازده تولید را حساب بکنیم بطور متوسط هر سانحه‌ی کار ده میلیون تومان هزینه بر کشور تحمیل می‌کند. تا بحثی از سوانح ناشی از کار می‌شود فوراً دانشان در می‌آید که مقصر اصلی خود کارگران هستند و حادثه، بعلت بی‌احتیاطی کارگر روی می‌دهد.

کمیته‌ی مشترک سازمان بین‌المللی کار و سازمان بهداشت جهانی در تعریف از بهداشت حرفه‌ای و هدف از آن را این‌طور بیان کرده‌اند "بهداشت حرفه‌ای عبارتست از: علم و هنر تامین بالاترین حد سلامتی برای کارگران، تطبیق کار با مقتضیات روحی و جسمی کارگران، حفظ سرمایه از طریق ایجاد محیط کار سالم، انتخاب کارگر مناسب برای هر کار و پیش‌گیری از حوادث و بیماری‌ها و توجه به مسائل کارگران و افراد وابسته به آنان تا هر کارگر بتواند با برخورداری از حداکثر سلامتی و رفاه، فردی موثر برای اجتماع باشد." این تعریف با توجه به آن که حفظ سلامت کارگر و سرمایه را هم سنگ فرض نموده و بخشی از هدف بهداشت حرفه‌ای را حفظ سرمایه فرض نموده و به کارگر نگاهی ابزارگونه دارد اما حاوی استانداردهایی است که ما در ایران ردی از آنها نمی‌بینیم. می‌توان تفاوت فاحش این تعاریف و اهداف را با واقعیت‌های موجود در محیط‌های کارگری ما و آمار ذکر شده

مقایسه نمود. تنها زمانی که خود کارگران مدیریت محیط کار و جامعه ای که در آن زندگی می کنند را بدست بگیرند، می توان از بروز فجایع روزمره ای در این مقیاس جلوگیری کرد. برای هر چه نزدیک تر شدن به این هدف و سایر اهداف انسانی، بایستی کارگران، خود را سازمان بدهند و خواسته ها و نیازهای برحق شان را یک صدا و نیرومند بیان کرده و به کرسی بنشانند.

جمیل محمدی

۱۳۸۵/۱۲/۲۰

منبع: سایت شورا